

فصل نامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی- پژوهشی

سال ۱۱- شماره ۲- تابستان ۱۳۹۷- شماره پیاپی ۴۰

بررسی سبک‌شناسی دیوان اشعار فارسی ادیب پیشاوری

(ص ۱۹۶-۱۷۵)

فاطمه دهقانی تفتی^۱ - محمود طاووسی^۲ - شهین اوجاق علی زاده^۳

تورج عقدایی^۴

تاریخ دریافت مقاله: زمستان ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

چکیده

آقا سیداحمد رضوی مشهور به ادیب پیشاوری یکی از شاعران توانای اهل مشروطیت است؛ سبک شناسی شعر ادیب نشان می‌دهد که او اشعار خود را در بیست و نه وزن سروده است بیشترین بسامد اوزان متعلق به بحر رمل و کمترین آن مربوط به بحر سریع است در قوافی اشعار بیشتر حرف «ش» و «ر» در جایگاه روی قرار دارد و تقریباً ۸۸/۴۴ درصد اشعار دارای ردیفند و ردیف با افعال ربطی بسامد بالاتری دارد. ادیب اغلب از ترکیبات کهن استفاده کرده و به اساطیر و لغات شاهنامه‌ای توجه بسیار دارد. از لحاظ زبانی به شیوه سبک خراسانی شعر سروده است. تشبیه در اشعار او بیشترین بسامد و مجاز مرسل کمترین بسامد را دارا هستند و آرایه‌های پرکاربرد شعر ادیب عبارتند از: تکرار، جناس، مراعات نظیر، تضاد و اغراق و

توجه به موسیقی درونی و ادبی، برجسته‌سازی مفاهیم و مضامین، استفاده هنرمندانه و هدفمند از عناصر زبانی و ادبی از ویژگیهای بارز سبک وی بشمار می‌آیند.

کلمات کلیدی: ادیب پیشاوری، سبک‌شناسی، موسیقی، زبان، صنایع لفظی، بسامد

^۱ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی (نویسنده مسئول)، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، ایران (tafti78@yahoo.com)

^۲ - استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، ایران.

^۳ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، ایران.

^۴ - دانشیار گروه ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، ایران.

۱- مقدمه

سیداحمد ملقب به ادیب پیشاوری حکیم ریاضیدان، مورخ دانشمند، شاعری توانا و حماسه‌سرای بزرگ اسلامی از نسل شیخ شهاب‌الدین سهروردی و به تأیید اهل ادب یکی از نادره‌های روزگار خود بود که در حدود ۱۲۶۰ هـ.ق در پیشاور میان عشایر جنگجوی آن سامان دیده بجهان گشود و بعد از قتل عام خانواده‌اش آنجا را ترک کرد و بخش اعظم افغانستان و ایران را زیر پا گذاشت. علم را نزد بزرگانی چون ملاهادی سیزواری، میرزا عبدالرحمن مدرس فراگرفت بعد از آن به مشهد آمد در سال ۱۳۰۰ هـ.ق به تهران آمد و رحل اقامت افکند و تا پایان عمر (۱۳۴۹ هجری قمری برابر با ۱۳۰۹ هـ.ش) در آنجا با احترام زیست. اوقات ادیب در تهران صرف تدریس و افاضهٔ آموخته‌هایش میشد و از اقبال بزرگان عصر و خداوندان علم و ادب؛ که به مصاحبتش افتخار میکردند، برخوردار بود. در این میان علامه علی اکبرخان دهخدا، علامه محمد قزوینی، استاد بدیع‌الزمان فروزانفر، رشید یاسمی، مجتبی مینوی، محمدعلی بامداد و علی عبدالرسولی و نظایر اینان، وجود او را غنیمت شمرده و از دانش و ادب وافر وی بهره‌مند شده‌اند.

داوریهای ادیبان بزرگ معاصر دربارهٔ دانش و هنر ادیب جایگاه وی را در ادب معاصر نشان میدهد. «ادیب پیشاوری تافتهٔ جدا بافته‌ای بوده است که فرهنگ ایران زمین در سدهٔ اخیر به خویش دیده است. مجموعهٔ نادری از بالاترین مدارج در فضل و فضیلت، فضلی که از حدود عصر مغول به بعد کمتر کسی از آن پایه و مایه از علوم ادب و ریاضی و نجوم و فلسفه برخوردار بوده است.» (با چراغ و آینه، شفیعی کدکنی: ص ۳۲۰)

زبان او به دلیل استفاده از واژه‌ها و تعابیر نامأنوسی که شاعران پیشین، بویژه ناصرخسرو و خاقانی بکار برده‌اند، بسیار دشوار است و همین دشواری است که شعرش را به شعر خواص تبدیل کرده است. البته «برای کسی که از ادبیات فارسی و عربی بی‌بهره نباشد، مطالعهٔ اشعار ادیب بسیار لذت‌بخش است. زیرا که اشارات و تلمیحاتی به قصص و اخبار پیشینیان بکار میبرد و در لفظی قلیل معانی کثیر بر خواننده عرضه میدارد و شخص، خود را در مقابل مردی میبیند که ذخیرهٔ کامل گذشتگان و خلاصهٔ تمدن و ادب ایران باستان؛ بلکه مغرب آسیاست.» (ادبیات معاصر، یاسمی: ص ۱۲) از آثار ادیب میتوان دیوان قصاید و غزلیات فارسی، رسالهٔ در بیان قضایای بدیهیات اولیه، رسالهٔ نقد حاضر در تصحیح دیوان ناصرخسرو که ناتمام ماند و مثنوی در بحر متقارب بنام قیصرنامه را نام برد.

۲- پیشینه تحقیق و ضرورت انجام آن

درباره سبک ادیب پیشاوری هیچ پژوهشی بطور مستقل تاکنون انجام نشده است؛ اما آثاری را میتوان نام برد که هر کدام تنها به بخشهایی از موضوع این مقاله پرداخته‌اند. کتاب با چراغ و آینه دکتر شفیعی کدکنی که به نحوه سخن‌سرایی ادیب بصورت کوتاه اشاره کرده است. کتاب آینه‌دار طلعت یار از ابوالحسنی منذر که به نقد و تحلیل اشعار پرداخته است و در کتاب صور خیال در ده قصیده و غزل ادیب پیشاوری، بخشی از اشعار ادیب را از منظر تصویرگری بررسی کرده است. و تنها مقاله‌ای که برای این پژوهش غنیمت بوده است؛ مقاله شاهنامه فردوسی در آینه ادیب پیشاوری از خیراندیش و پوینده‌پور اطلاعات ارزشمندی را از جهت زبان ادیب در اختیار میگذارد. اما در این مقاله با توجه به اهمیت موضوع سبک‌شناسی که همواره یکی از مهمترین و مفیدترین راههای شناسایی شاعران محسوب میشود، شعر ادیب را در سه سطح زبان، ادبیت و اندیشه، بررسی و تحلیل کرده و کوشیده‌ایم زمینه را برای شناخت بیشتر او مهیا سازیم.

۳- روش پژوهش

این مقاله به شیوه کتابخانه‌ای، تحلیلی و توصیفی گردآوری شده است. روش کار بدین سان بوده است که در مرحله نخست سطح زبانی، ادبی و در نهایت فکری، ابیات شاعر مورد مطالعه قرار گرفت؛ سپس مصادیق این سه سطح فیش‌برداری، مقوله‌بندی، طبقه‌بندی و تحلیل گردید و سرانجام حاصل تحلیلها گزارش شد.

۴- ویژگیهای زبانی

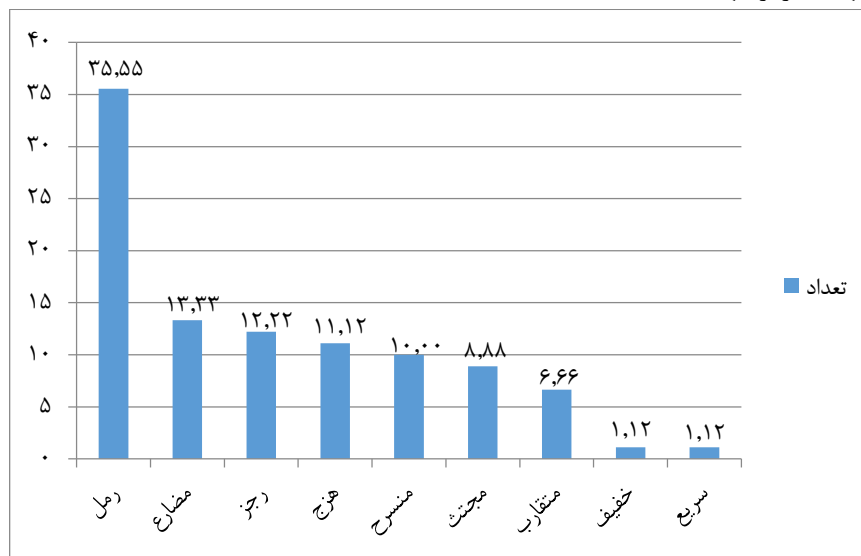
۴-۱- سطح آوایی یا سبک‌شناسی آواها

۴-۱-۱- موسیقی بیرونی

مهم‌ترین عامل سازنده شعر، موسیقی و وزن است و یکی از حالاتی که زبان میتواند برجسته و عادت‌زدا گردد زمانی است که در بستر موسیقی جریان داشته و بوسیله موسیقی از گفتار عادی متمایز گردد. «در زبان فارسی جانب عروضی وزن شعر را موسیقی بیرونی می‌گویند.» (موسیقی شعر، شفیعی کدکنی: ص ۹۱) موسیقی، ازسویی به تخیل در شعر کمک می‌کند و کلیت شعر را نظام میبخشد.

بررسی این جنبه از موسیقی شعر در دیوان ادیب پیشاوری از مجموع ۹۰ شعر موجود در آن، نشان میدهد که وی، برای سرودن اشعار از نه بحر استفاده کرده است در این میان

بالاترین کاربرد از آن بحر رمل می‌باشد و کمترین آن مربوط به بحر خفیف و سریع است که تنها یکبار از آنها استفاده شده است.



شکل ۱- نمودار بحرهای بکار رفته در دیوان اشعار ادیب پیشاوری

۴-۱-۲- موسیقی کناری شعر

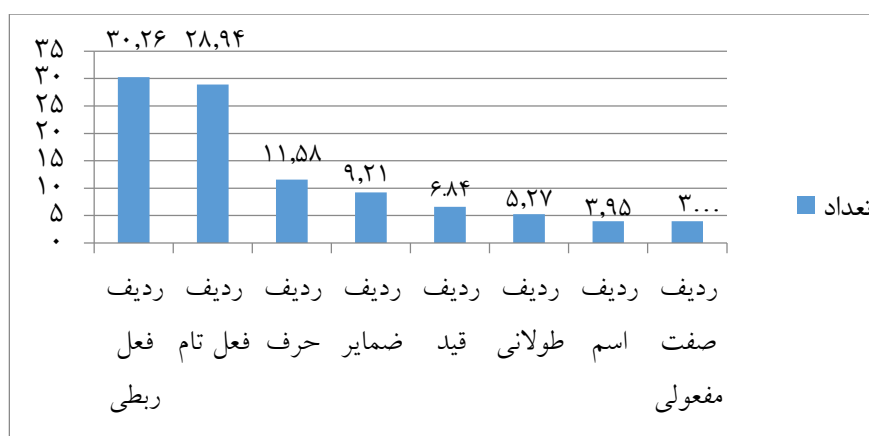
الف) قافیه: بررسی حرکات و حروف قافیه در دیوان اشعار فارسی ادیب نشان می‌دهد که قافیه مردف بالاترین بسامد (۳۴/۳۷) درصد و قافیه موسسه کمترین بسامد (۱/۵۶) درصد را داراست.

ب) ردیف: ردیف یکی از زیرمجموعه‌های موسیقی کناری است که در اشباع و تکمیل موسیقی قافیه به آن کمک کرده و موجب زیباتر شدن جنبه موسیقایی شعر میشود بدین خاطر «ردیف را خلخال شعر فارسی نامیده‌اند» (موسیقی شعر، شفیع کدکنی: ص ۱۳۰) اگر این همراهی موسیقایی با مفهوم و موضوع و تصاویر شعر نیز مربوط باشد و در آن نمود پیدا کند مؤثرتر و زیبایی آن بیش از پیش احساس خواهد شد؛ تأمل در اشعار ادیب پیشاوری نشان می‌دهد که از مجموع ۹۰ شعر وی، در قالبهای مختلف ۷۶ مورد دارای ردیف هستند. یعنی حدود ۸۴/۴۴ درصد اشعار، که بالاترین بسامد مربوط به ردیف فعل ربطی است و کمترین بسامد مربوط به ردیف صفت مفعولی واسم است. ادیب، ردیفهای فعلی را به اوج رسانده و از چشم‌انداز دیگر چون شاعر در حوزه کاربرد ردیف تنوع داشته است به همین

دلیل باعث نوعی حرکت در فضای شعرش شده است و توانایی و خلاقیت او را در سرودن اشعار، نشان می‌دهد و این امر بیانگر آن است که ادیب بیشتر اهل تجربه و رفتار و حرکت است تا سکون و ایستایی.

جدول ۱- اشعار از نظر حروف و حرکات قافیه

ردیف	اشعار از نظر حروف و حرکات قافیه		تعداد	درصد
۱	قافیه مردف		۴۴	۳۴/۳۷
۲	قافیه مردف		۴۲	۳۲/۸۱
۳	قافیه مقید		۱۷	۱۳/۲۸
۴	حروف	وصل	۱۷	۱۳/۲۸
	الحاقی	خروج و مزید	۲	۱/۵۶
۵	مقیده		۴	۳/۱۴
۶	موسسه		۲	۱/۵۶



شکل ۲- نمودار درصد انواع ردیف در دیوان ادیب پیشاوری

۴-۱-۳- موسیقی درونی

یکی از ویژگی‌های برجسته ادیب پیشاوری در بخش موسیقی درونی، تکرار بویژه تکرار واژه و زیرمجموعه‌هایش است که حدود ۲۲٫۸۴ درصد از حجم اشعارش را تشکیل می‌دهد. این

بسامد بالا بیانگر این نکته است که شاعر می‌خواهد با بکارگیری آرایه تکرار، با آهنگین نمودن هر چه بیشتر کلام بر لطافت و گوش‌نوازی شعرش بیفزاید.

الف) تکرار واژه:

کافری و کافر است منکری و منکر است
او به خفاش آفرین تو به جهان آفرین
(۹۱/۲۱۳۹)

بال مرغی مرغ را بر بال بنشانند خدنگ
هم زبان خویش یابد مرغ بد پا داشنی
(۱۳۰/۳۰۴۲)

عشوه ده و عشوه خر هر دو چو زن سیرتند
عشوه ده ایرا کند عشوه خری را گزین
(۹۱/۲۱۲۶)

ب) همحروفی و همصدایی (واج‌آرایی): علاوه بر تکرار واژه آنچه موجب اعجاز در موسیقی شعر ادیب شده است صنعت همحروفی و همصدایی کلمات و واجهاست. از آنجا که مصوت‌های بلند از مصوت‌های کوتاه زیباتر و موسیقایی‌تر است در دیوان ادیب کاربرد بیشتری داشته و مصوت بلند «آ» و «او» از بسامد بالاتری برخوردار است.
- همصدایی:

ز خورشید آگند رادی ز ابر آموزد آزادی
کند بر جای بدکاری چو من یکدم نکوکاری
(۴۵/۱۰۵۱)

ای مرهم ناسور من در دور ماتم سـور من
بشنو نوای صور من کو ناله سوزان پرورد
(۱۹/۳۹۴)

- همحروفی:

بسا سمن رخ سیمین بر سمن بازو
که زیر خاک بسودیش ساعد و آرنج
(۷۷/۱۸۲۸)

کـهکشان عکسی ز اوصاف شه است
کم زند با صد رصد احصایمـش
(۶۴/۱۶۴۱)

(ج) موازنه و ترصیح:

گاه شود همچو باغ در مه تشرین گاه شود همچو راغ در مه کانون
(۸۳/۱۹۶۰)

آخر نه حسن جداکند اسپید از سیاه آخر نه حسن فرق کند سرمه از شخار
(۵۸/۱۳۴۸)

(د) **تسمیط:** یکی دیگر از آرایه‌های ادبی که موسیقی شعر میافزاید تسمیط و تشطیر است. تسمیط آن است که «هر بیتی به چهار لخت تقسیم میشود لخته‌های سه گانه اول هم قافیه آورده میشود و لخت چهارم بصورت ترجیع تا پایان تکرار میشود.» (سیری در بدیع، اندوهجردی: ص ۵۴) آرایه تسمیط فراوان در اشعار ادیب بکار رفته است. در واقع برای تسمیط یک الگو وجود دارد؛ یعنی سه سجع و یک قافیه اما در تشطیر الگوهای متفاوتی داریم گاهی در دو پاره مصرع اول سجع میاید؛ یا فقط در دو پاره مصرع دوم سجع رعایت میشود؛ یا در همه پارهها سجعی یکسان میاید. و الگوهایی که برای ادیب برجستگی خاص دارد در دو مصرع اول (۱۴) مورد و در دو مصرع آخر بیت (۱۰) مورد و در همه پارهها (۲) مورد آرایه تشطیر مشاهده شد. یکی از ویژگیهای شعر ادیب که وی را از هم عصرانش متمایز میکند و شعر وی را به سبک و سیاق شاعران پیشین نزدیک میکند؛ بکارگیری آرایه تسمیط و تشطیر در شعر است که نشان از موسیقی غنی و توانمند شعر ادیب پیشاوری دارد.
- نمونه تسمیط:

سیمرغ دستان پروری باطوطی شگر خوری با تیز چنگل سنقری کز حآد بلغار آمده
(۱۰/۲۳۴۶)

کوآن نهنگ بحرکاف و آن کشتی دریا شکف کز جیش او روز مصاف در بحری معبر زند
(۳۴/۷۱۷)

ای برتر از فرقد سریر در زیر فرمانت ائیر گوهر فروزان آن سعیر کورم شیطان پرورد
(۴۴/۱۰۱۳)

- نمونه تشطیر:

زلف تو آشفته شد قصه دل گفته شد کوست پریشان چنانک زلف پریشان تو
(۳۷/۷۷۸)

گرچه همه لشکرش جان به نثارش کنند اودل کهتر خرد اوغم چاکر برد
(۲۷/۵۷۷)

۵- مختصات لغوی

۵-۱- کاربرد لغات و ترکیبات عربی

یکی دیگر از ویژگیهای شعر ادیب بکارگیری واferکلمات و لغات عربی است که بیشتر بصورت اشعار ملمع در جایجای دیوان اشعارش نمود دارد. علامه قزوینی، ادیب را به ابوالمعالء معری تشبیه میکند. «با این تفاوت که ابوالعلاء فقط در ادبیات عرب نادره دهر بود و ادیب، ذواللسانین و در عربی و فارسی هر دو نابغه عصر است.» (بیست مقاله، قزوینی، ج ۱: ص ۹-۱۰)

تلک الیالی خائنه لیست لعهدی صائنه بازخوان ای مهرافزا تا ز قرآن برخوری
(۱۲/۲۹۹۲)

گفت عبد المطلب آن شاه را فرح نیا نحن دمرنا ثموداً و استبحنا حمیراً
(۸۸/۱۹۳۸)

والذین آمنوا أشدَّ جُبّاً ازینی مانند کوری که آینه برطاق نیسان پرورد
(۴۸/۱۱۰۵)

سبک شعر ادیب، سبک خراسانی است و ویژگیهای سبک خراسانی را بوفور در آن میبینیم. از آنجا که ادیب به شاعران پیشین ایران علاقه بسیار دارد بویژه فردوسی، بسیار واژه های کهن شاهنامه و حتی اسامی پهلوانان شاهنامه و اساطیری در جای جای دیوانش نمود ویژه ای دارد.

پخت این آبا ز بهر کسان تاخوردند ازو خالیگراز میانه نیالوده لب زآش
(۶۶/۱۵۷۹)

هر یکی پوشیده تن درآبگون برگستوان هر یکی بسته میان اندر یکی سیمین کمر
(۶۱/۱۴۰۴)

نمونه‌های دیگر عبارتند از: سخته (۹/۱۷۷)، پرند (۳۱/۶۴۳)، بیجاده (۲۷/۱۵۶۰)، غُرم
(۹/۱۶۹)، باره (۷/۱۳۲)، آذرگشسب (۱۳۸/۳۲۱۵)، شست (۱۶۲/۳۷۳۳)، بادافراه
(۵۹/۱۳۶۳)، باره (۷/۱۳۲)، طبر خون (۳۹/۱۹۵۴).

۵-۲- کاربرد لغات یونانی، رومی، ترکی

ادیب به فراوانی از این لغتها استفاده کرده است گاه بصورت تلمیح در اسامی اشخاص و یا
برای تصویرسازیها البته، در زمان پیش از ادیب نیز این لغتها کاربرد داشته است. ادیب
پیشاوری بواسطه مطالعه منابع مختلف با آنها آشنا شده و چون بسیار تحت تأثیر شاعران
پیشین چون مولوی و خاقانی بوده است آنها را در اشعار خود بکار گرفته است. ابوالحسنی
منذر وی رابا خاقانی برابری داند؛ «به لحاظ مسائل صوری در شعر عصر خود خصایصی را
دارد که خاقانی در عصر خود داشت به عبارتی او خاقانی دیگری است که بیرون از محیط
طبیعی حیات خود زیسته است» (آینه‌دار طلعت یار، ابوالحسنی منذر: ص ۱۵)

چون عروسی را که آرایش کند مشاطه تن به سقلاطون رومی گوش وگردن با گهر
(۶۰/۱۳۸۲)

سقلاطون: «نوعی جامه پشمی که در روم میبافند.» (سبک‌شناسی نثر، بهار ج ۱: ص ۲۸۰)

کیست که پیغام من جانب قیصر برد نلمه رسطالسی سوی سکندر برد
(۳۵/۷۲۹)

دیده من بین اگر دیده نه در جهان باده یاقوت رنگ در گهر ساتگین
(۸۹/۲۰۸۷)

ساتگین: پیاله شراب خوری

نمونه‌های دیگر عبارتند از: ارغنون (۳۹/۸۱۶) آزار (۱۴۱/۳۲۶۷)، نرگس (۱۵۰/۲۴۴۸)
زمرد (۱۸۱/۴۱۶۵)، مروارید، (۶۴/۱۵۲۷)، خاقان (۹۶/۲۲۵۶)، تشرین و کانون (۸۳/۱۹۶۰)
،تموز (۱۷۷/۴۰۷۰)، طغرا (۷۵/۱۷۹۰)، اسکندر(۹۷/۲۲۸۱)، افلاطون (۳۱/۶۴۲).

۵-۳- استفاده از ابزار آلات

ادیب پیشاوری در تصاویر شعرش بسیار از ابزارهای مختلف و کهن اشاره کرده است که امروزه آن لغتها مهجور شده است مانند:

ازپی واخیدن اعمال تو حلاج دهر برکمان زه بست و اندر دست خود فلخم گرفت
(۲۳/۴۷۴)

واخیدن: حلاجی کردن، فلخم مشتة حلاجان

بدخواه تو با درد ورنج کوبیده شد اندر شکنج گرزت جواز و او کرنج درغنک عصّار آمده
(۱۰/۲۴۳۲)

جواز: هاون چوبی که روغن کشند، غنک عصّار: تیر عصاره که سنگ بر آن بندند و بگردانند تا روغن گیاه گرفته شود و همچنین نمونه‌های دیگر: رحی و دولابی (۱۷/۳۵۳)، چرخشت (۸۸/۲۰۶۶)، کوبه (۸۸/۲۰۵۸)، تشریق و تنحار (۱۰۳/۲۰۴۳)، گاز (۲۲/۷).

۶- ویژگی‌های ادبی

۶-۱- بیان

۶-۱-۱- تشبیه

بررسی این شکل مهم خیالی در دیوان ادیب پیشاوری نشان می‌دهد که وی از مجموع ۳۸۱ بیت تشبیهات حسی و عقلی، ۱۸۲ بیت تشبیه محسوس به محسوس است که بالاترین بسامد یعنی ۴۷/۷۶ درصد را بخود اختصاص داده است و این امر نشان دهنده آن است که وی شاعر توصیف امور عینی است نه اهل وصف تجربه‌های باطنی و متافیزیکی. بی‌گمان عالم و مدرس بودن ادیب نیز در شکل‌گیری این گونه تشبیهات مؤثر بوده است. زیرا تشبیهات برای ساختن مثالهای گوناگون و نزدیک کردن مفاهیم به ذهن مخاطب حسی بر تشبیهات مجرد و عقلی، ترجیح دارد.

الف) انواع تشبیه:

۱) تشبیه محسوس به محسوس:

صورتگر گردون را خاک است چو صندوقی صدوق درون پنهان یک نغز نگارستان
(۹۳/۲۱۸۰)

۲) تشبیه معقول به محسوس:

جانن آیدون مصریست بس عظیم و فراخ
که مصر جامع در پیش اوست بخص بها
(۱۱۲/۲۳)

۳) تشبیه معقول به معقول:

دولت آزادی و هم نعمت دانش مراست
نیستم احسان حق را ناسپاس و کافری
(۱۵۳/۳۵۵۲)

۴) تشبیه محسوس به معقول:

زین کمان یعنی جهان بگریز همچون تیر تو
که نشانه تیر تو برتر ز سدره منتهاست
(۱۶/۳۲۸)

۵) تشبیه مرکب به مرکب:

می در گلین خم‌شعله‌ور چون نار موسی از شجر
وز هیمه با این شرر موسی جان، جان پرورد
(۳۹/۸۱۹)

۶) تشبیه تفضیل:

سرو فتد سایه وار بر سر راه توتا
سایه بر او افکند قامت فتان تو
(۹۷/۲۲۷۲)

۷) تشبیه مفروق:

بذل شه دان این گهر در دامنم
او چو موج و من لب دریا یمش
(۱۹/۱۶۳۹)

۸) تشبیه جمع:

گر تو خواهی سیر هستی یکسره در خودنگر
که تو هم دریا و هم غواص و یکتا دری
(۱۲۶/۱۹۴۶)

(۹) تشبیه ملفوف:

از لب و خط شکری و عنبری وز دو چشم خویشتن ساغر خوری
(۱۸۱/۴۱۶۸)

(۱۰) تشبیه حروفی: این تشبیه نشان از هنرنمایی و قدرت ذهن خالق شاعر دارد و به موسیقی معنوی شعر نیز میافزاید دو نمونه از آن در دیوان ادیب پیشاوری دیده شده است.

مایه شوری و بس شینت نقطه بگنناد پس به عبارت درون شین تو گردد چو سین
(۹۰/۲۱۰۶)

(۱۱) تشبیه تمثیل: بسیار اندک در اشعار ادیب استفاده شده است که شاید یکی از دلایل آن، درصد اندک تشبیهات مرکب است که تشبیه تمثیلی بر بنیاد آن استوار میگردد.

در باغ هستیت نوزد باد نیستی در پیشگاه خورنکند تیره شب گذار
(۱۲۵۳)

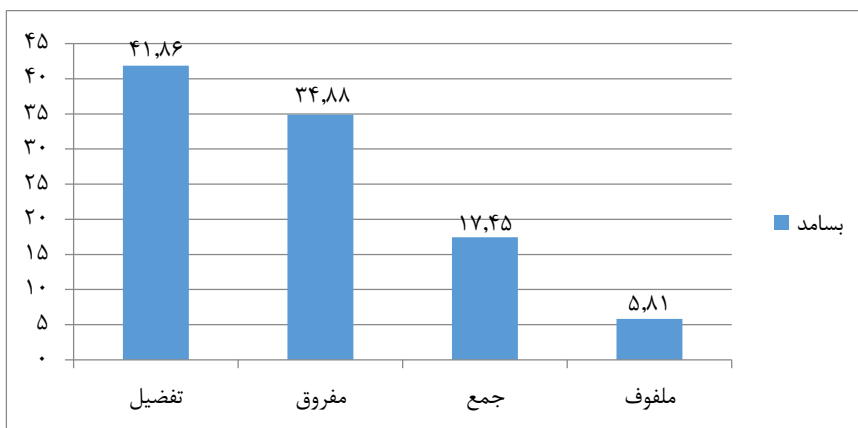
(۱۲) تشبیه مفرد به مقید:

چون ادیب از نعت او هر دم طرازم دفتری معنیش یاقوت رنگین لفظ مرواریدتر
(۶۴/۱۵۲۷)

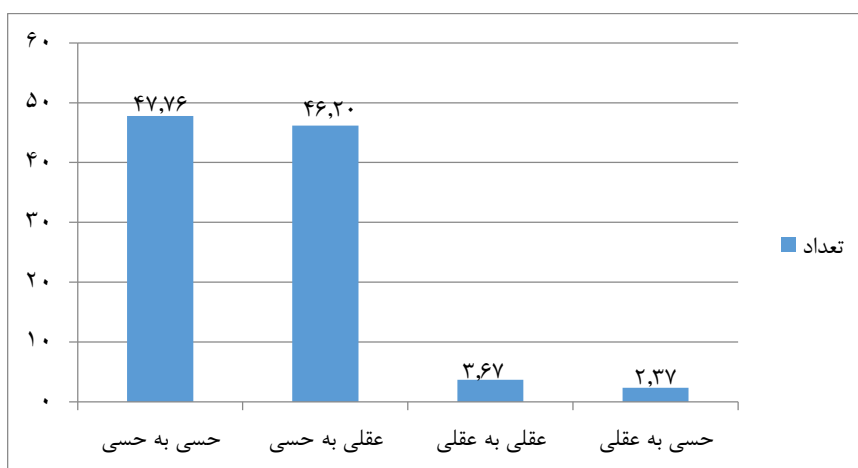
(۱۳) تشبیه مقید به مقید:

خوی تو پیکر نگارخانه جانست خوی خوشتر حور آن فراشته مسکن
(۸۷/ ۲۰۴۱)

یکی از ویژگیهای بارز تشبیهات ادیب پیشاوری، مقید آوردن مشبه و مشبه‌به است برای نو کردن تشبیهات خود.



شکل ۳- نمودار بسامد درصد انواع تشبیه به لحاظ شکل و ساختمان به اعتبار تعدد یا عدم تعدد دو طرف



شکل ۴- نمودار مشخصات آماری

ب) مواد تصاویر تشبیهات در دیوان ادیب پیشاوری: مواد تصاویر ادیب در تشبیهات، هم جنبه انتزاعی دارد که از آنها با نام عناصر معنوی یاد میشود و هم جنبه طبیعی و حسی که مربوط به طبیعت و افراد میشود که شامل: انسان و متعلقات وی، اعضای انسان، اشیا ابزارآلات جنگی، دریانوردی، دانش و مکانها، طبیعت و عناصر چهاگانه، افلاک و اجرام آسمانی، حیوان و اعضای حیوانی است. مثال:

حسن اصل عشق و عشق است اصل بنیاد وجود
جلوه گل هست صوت و نغمه بلبل صداست
(۱۵۷/۳۶۲۳)

آموزگار تو شود اندر دبستان ای شگفت
تو همچو نوآموز پور او هم چو بونصر فراه
(۱۱۶/۲۷۱۰)

آن که از عشق به جز عشق تمنا دارد
او ز دریای محبت به کران مشتغل است
(۱۳/۳۱۶)

جدول ۳- بسامد موضوعات مشابه و مشابه به در دیوان ادیب پیشاوری

بسامد درصد موضوعات مشابه و مشابه به در دیوان ادیب پیشاوری					
مشبه	بسامد	درصد	مشبه به	بسامد	درصد
امور انتزاعی	۲۳۶	۵۲/۷۹	انسان و اعضایش	۱۳۰	۲۹/۰۸
انسان و اعضایش	۱۲۹	۲۸/۸۲	اشیاء و ابزارآلات	۱۳۰	۲۹/۰۸
اشیاء و ابزارآلات	۴۴	۹/۳۹	طبیعت	۷۳	۱۶/۳۳
طبیعت	۱۷	۳/۸۰	امور انتزاعی	۵۵	۱۲/۳۰
حیوان و اعضایش	۱۴	۳/۱۰	حیوان و اعضایش	۴۵	۱۰/۰۶
افلاک و اجرام آسمانی	۹	۲/۱۰	افلاک افلاک و اجرام آسمانی افلاک و اجرام آسمانی	۱۴	۳/۱۵
مجموع	۴۴۷				۱۰۰

۶-۱-۲- کنایه

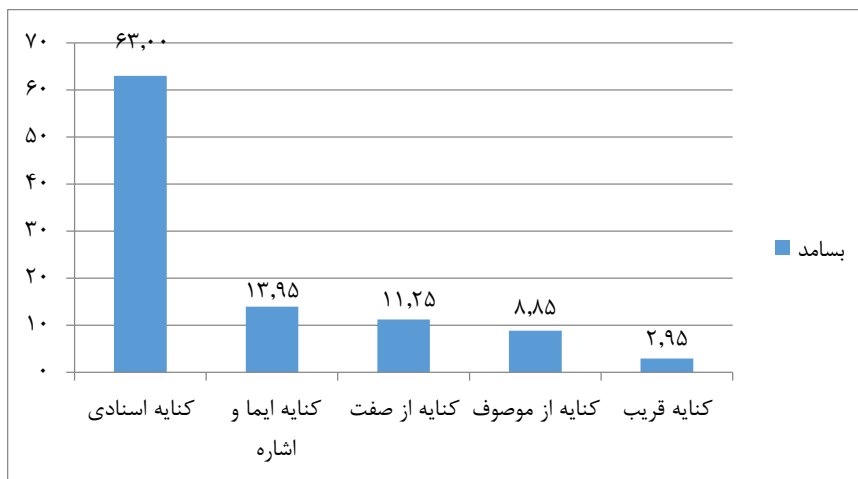
ادیب پیشاوری از این عنصر زیبایی‌آفرین کلام، «کنایه» به شیوه‌ای مطلوب برای بیان اندیشه‌ها، عواطف و احساسات شاعرانه‌اش استفاده کرده است که بیشترین قدرت القا را به زبان میبخشد و موجب خلق معانی تازه میشود و نشان‌دهنده وسعت آگاهی شاعر است. در دیوان ادیب پیشاوری این اسلوب بیان هنری در جایگاه دوم بعد از تشبیه قرار گرفته است در میان کنایات دیوان ادیب هیچ کنایه نوی مشاهده نمیشود این کنایه‌ها جنبه زیباشناسی

و هنری خود را فرو گذاشته و به ابزارهای زبانی تبدیل یافته‌اند اما به هر رو از آنجا که کنایه ها امکاناتی زبانی برای بیان بشمار می‌آیند ادیب پیشاوری از آنها استفاده میکند به سخن دیگر او به جای بیان صریح برخی از معانی، نشانه‌هایی را که با آن معانی ملازمه دارند، بکار می‌برد و سخن خود را دارای دو سطح حقیقی و مجازی میکند در بررسی اشعار ادیب ۳۷۴ کنایه استخراج و ۲۳۶ بیت یعنی حدود ۶۳ درصد را کنایه اسنادی (مصدر یا فعل) که رایج ترین نوع کنایه است، تشکیل میدهد و کنایه قریب (نهان) یعنی آن گونه که «به آسانی نتوان به معنی کنایی آن راه برد» (بیان، کزازی: ص ۱۶۳) با ۲/۹۵ درصد کمترین بسامد را در دیوان ادیب داشته است.

گفتی که نویسنده چابک بنویسد خط
پس برخط خود خطی اندر کشد از بطلان
(۹۲/۲۱۵۰)

بررخم داغ غلامی نه که هست
این شرف خوشتر زهر منصب مرا
(۱۵/۳۵۷۹)

میخورم خون جگر وقتی که هستم مختفی
می‌کنم ایدون فغان وقتی که هستم معلنی
(۱۳۴/۳۱۳۰)



شکل ۵- نمودار بسامد انواع کنایه در دیوان اشعار ادیب

۶-۱-۳- استعاره

استعاره یکی از شاخه‌های اصلی صور خیال و از عوامل مهم زیبایی‌شناسی شعر شمرده می‌شود، در دیوان ادیب با بسامد ۳۳۶ مورد در جایگاه سوم بعد از کنایه قرار دارد. استعاره تأکید، تأثیر، ایجاز و برجستگی تصاویر شاعرانه را افزایش می‌دهد و بدلیل پیچیدگی ابهامی که در آن دیده می‌شود، همواره در دوران پختگی شعر و نیز سبک‌های گوناگون شعری خودنمایی میکند و در شعر ادیب از این جهت حائز اهمیت است که محملی برای سرودن اشعار سیاسی و بیان حوادث و وقایع تاریخ آن روزگار است. بیت زیر اشاره به جنگ جهانی اول و حوادث آن دوران دارد.

زاغ که شوم است مر اورا نشان هرکه بود شوم تواس زاغ دان
از حسد فر همای زمان داشت به دل اندر ترسی نهان
(۱۰۲-۱۷۸/۴۱۰۱)

مستعارمنه زاغ و هما، مستعارله کشور انگلستان و آلمان است. در این جا اشاره به قدرت نظامی آلمان دارد که انگلستان از آن می‌ترسد و همچنین میتوان به چکامه‌ای که در سوگ میرزای شیرازی پرچم‌دار نهضت تنباکو سرایید اشاره کرد. مطلع آن چنین است:

پشت اسلام دگر باره همی بینم خم رایتش گشته نگونسار و شکسته پرچم
(۷۷/۱۸۳۴)

در میان انواع استعاره، استعاره مکنیه با ۱۶۹ مورد؛ بالاترین بسامد یعنی (۵۰/۲۹) درصد را بخود اختصاص داده است. در دیوان ادیب از دو نوع استعاره مصرحه و مکنیه آنچه بیشتر در عرصه خیال شاعر نمود پیدا میکند، استعاره مکنیه است آنجا که به وصف طبیعت و زیباییهایش می‌پردازد به شیوه سبک شاعران خراسانی و آنجا که به وصف معشوق و صفاتش می‌پردازد به شیوه سبک شاعران عراقی نزدیک میشود.

حدیث لعل تو می رفت و آب خضر شنید ز شرم و شوق کنون مبتلای رنج و عناست
(۱۶۱ /۳۷۱۸)

گفتمش ای سرو بالا مهربان نام تو چیست گفت پور مهرنوش و نام نوش آذر مرا
(۷/۱۱۴)

تشخیص یا انسان‌وارگی که از نوع استعاره مکنیه است از اهمیت و توجه خاصی در شعر معاصر برخوردار است؛ برجستگی ویژه‌ای نیز در آثار ادیب پیشاوری دارد و در بیشتر استعاره‌های وی افعال و اعمال و ویژگیها و عواطف انسانی و نیز موجودات جاندار دیگر به عناصر و موجودات بی‌جان و طبیعی و مفاهیم ذهنی نسبت داده شده است که فضای شعر او را پرشور و نشاط کرده و استعاره‌های خیالی زیبایی خلق کرده است.

نگرس یکی صراف مرد بنشته در بازار فرد سیم سپید و زر زرد در جام مینا داشته
(۱۰۵/۲۴۴۸)

لازم بذکر است که با توجه به موضوعات شعر ادیب پیشاوری (جنگ، مدح بزرگان جنگی و سیاست) یکی از نکات مورد توجه وی، استفاده از ابزار و آلات جنگی در شعر است که به نوعی می‌تواند نوآوری وی در مبحث استعاره باشد. اگرچه شاعران آن دوره، موضوع سیاست و جنگ از ویژگی بارز اشعارشان بود اما ادیب بطور پوشیده از ابزارهای جنگی برای ساخت استعاره‌های خود استفاده میکند و به واسطه زبان دشوارش استعاره‌های نو اما گاه دشواری را ابداع میکند و بعضی از آنها مورد توجه شاعران همعصرش قرار میگیرد.

رویینه شاهینها نگر با آتشین چنگالها گسترده اندر باختر پرهای کین و بالها
(۸/۱۵۷)

برکتفشان روز خطر مار دواشکم کش پسر مرشاه ترکان راپدر خاقانش از اخوالها
(۱۰/۱۹۸)

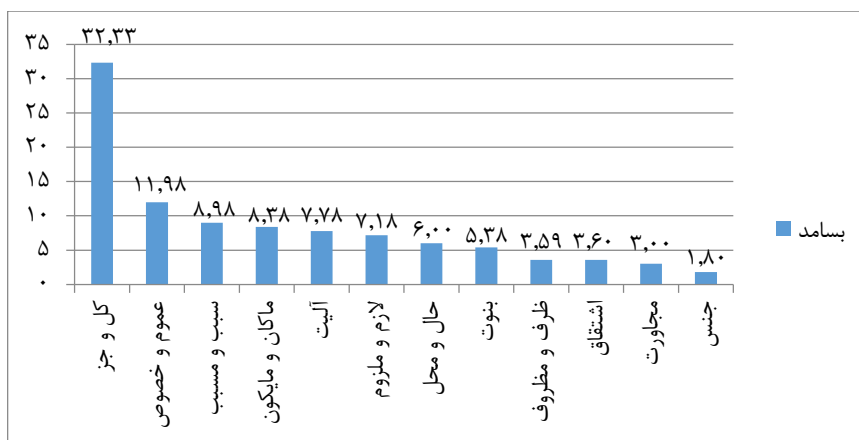
رویینه شاهینها، استعاره از هواپیما، مار دواشکم کش استعاره از تفنگ و اشاره به دو لوله آن دارد و پسر استعاره از فشنگ است و خالوی آن مار دواشکم، خاقان چین است زیرا در آن زمان باروت را از چین میاورده‌اند.

۶-۱-۴ مجاز مرسل

از میان شکل‌های خیالی، آنچه که کمترین بسامد را در دیوان اشعار ادیب دارد، مجاز است. از بین اقسام مجاز به اعتبار علاقه، مجاز به علاقه کل و جزء با ۳۲/۳۳ بالاترین درصد و مجاز به علاقه جنس با ۱/۸۰ درصد کمترین درصد کاربرد را در میان مجازهای بکار رفته در دیوان ادیب پیشاوری بخود اختصاص داده‌اند. آنچه که جالب توجه است، ادیب پیشاوری تقریباً از بیشتر گونه‌های مجاز در اشعار خویش استفاده کرده است.

صیرفی را جای زر در کیسه کاغذ پاره چند جوهری را جز جمستی نه به جای گوهری
(۹۴/۲۱۹۱)

در کله عادات زاد این باد منی تا کند با این همه سطوتشان هم باد بن و بنیان
(۱۳۸/۳۲۱۶)



شکل ۶- نمودار بسامد انواع مجاز مرسل مفرد براساس علاقه‌های آن در دیوان ادیب

۶-۲- بدیع

۶-۲-۱- تلمیح

یکی از ویژگی‌های بارز شعر ادیب بکارگیری تلمیحات مختلف است. «زبان‌ش پیچیده و سرشار از اشارات تاریخی و لغوی و قرآنی و حدیثی و حکمی و فلسفی و کلامی است». (با چراغ و آینه، شفیع کدکنی: ص ۳۲۳) ادیب پیشاوری ۲۸۶ مورد تلمیح از مجموع ۱۴۲۷ بیت یعنی (۲۰٫۰۴) درصد از آن استفاده کرده است و تلمیحات مذهبی با ۱۵۲ مورد و حدود ۵۳٫۱۴ درصد بالاترین بسامد را بخود اختصاص داده است.

الف) تلمیحات مذهبی:

دم مسیح که بامرده جان دهد جان را چو آفتاب کند چون از آن دمش بدمید
(۱۶۱/۳۷۲۶)

سالها غلطم همی در آتیش ومی گفت زه
دیدی ار یک روز ابراهیم بن آزر مرا
(۵/۶۷)

(ب) تلمیح اساطیری:

گر نه ضحاک حمیرا زدها پرور مباش
صحبت این چادر ازدر صحبت چارازدهاست
(۱۶/۳۲۹)

(ج) تلمیح ادبی:

در صورت لیلی همه کس دید و به معنی
نگریست همان دیده که مجنون شدنی بود
(۱۶۳/۳۷۵۶)

۶-۲-۲- جناس

یکی از آرایه‌های مورد تأکید ادیب است. ۲۳۵ بار از مجموع ۱۴۲۷ بیت یعنی ۱۶,۴۶ درصد آن را در اشعارش بکار برده است که بیانگر توجه شاعر به زیبایی لفظی وسعت و دامنه لغات شاعر است و باعث غنای موسیقی شعرش شده است.

(الف) جناس تام:

پرورد یک‌چندی به مهر اندر تف کانون مهر
پولاد تیغت را سپهر کز خصم بیزار آمده
(۱۰۴/۲۴۳۴)

(ب) جناس خط (مصحف):

آن‌باره را کوروز جنگ خواهدهمی کارد به چنگ
چه تختۀ آهن چه سنگ بنلاد دیوار آمده
(۱۰۲/۲۳۸۴)

(ج) جناس اشتقاق:

ناز و نیاز قسمت معشوق و عاشق است
در پیش دوست آن چه توانی نیازکن
(۱۶۶/۳۸۴۴)

(د) جناس ناقص مُحَرَّف:

هم ز طاووس شما شد خویشتن آرای تر
هم به رخ شد چون دم طوطی‌چو ارتو دم گرفت
(۲۰/۴۱۳)

ه) جناس لفظ:

دل را غمت شادی فراست گل رانمت باد صیاست جم‌رادمت پیک سیاست حق بهر شادیت آفرید
(۴۹/۱۱۲۸)

۶-۲-۳- تضاد

اصولاً کاربرد عناصر متضاد در ساختار شعر در جهت روشن‌گری و زیبایی و لطافت کلام است و تقابل در معنی سبب تداعی می‌شود و ذهن از این تداعی لذت می‌برد و سبب تلاش ذهنی می‌شود ادیب پیشاوری از زمره ادیبانی است که استفاده آرایه تضاد مقبول او بوده؛ تا بدان جا که ۱۴۲ بار یعنی ۹۰٫۹۵ درصد از آن استفاده کرده است.

هر چند روز و شَب مرا دارد به تاب و تب مرا وز جورشان بر لب مرا روئینه مسمار آمده
(۱۰۳/۲۴۱۰)

گر مسلمان ور که کافر خوانیم نیست جز عشق ای صنم مذهب مرا
(۱۵۵/۳۵۷۷)

۶-۲-۴- مراعات نظیر (تناسب)

به سبب تناسب و هماهنگی و همراهی که میان اجزای شعر برقرار می‌سازد، سبب تداعی معانی، افزایش موسیقی معنوی و تقویت بنیه واژه‌ها در حوزه زبانی نیز می‌گردد؛ ادیب در اشعار خود ۱۲۲ بار؛ یعنی ۸٫۵۴ درصد از آن استفاده کرده است.

الف) تناسب در ساختار طبیعت:

قوس قزح در هوا شکل کمانی نمود چون دو معنبر هلال بر مه تابان تو
(۹۷/۲۲۶۷)

ب) تناسب در شخصیت‌های داستانی و حماسی:

یاد لیلی رفت و شد بگسیخته آن چنان کز پای مجنون بند تو
(۱۶۸/۳۸۸۷)

چون ستم ماردوش گشت ز اندازه بیش لاجرم آرد برون کاه سر از ماربین
(۸۸/۲۰۹۶)

۷- ویژگیهای فکری

۷-۱- موضوعات و مضامین اشعار

موضوعات و مضامین اشعار ادیب پیشاوری در قصایدش غالباً به حوادث و وقایع و مسائل مختلف سیاسی آن روزگار اعم از جنگهای مختلف داخلی و خارجی، جنگ بین‌الملل، شکوه و ستایش از بزرگان جنگ و رجال سیاسی مختلف از جمله قیصر روم، عشق به وطن و آگاه کردن مردم و تشویق آنها به دفاع از وطن پرداخته است و در عین حال تعداد کمی از قصایدش را به تحمیدیه و مدح بزرگان دین اختصاص داده است و به نوعی در قصایدش اعتقادات مذهبی و عشق و ارادتش را به خاندان عصمت و طهارت نشان داده است. و در این میان بسامد اندکی از قصایدش را به ناپایداری و شکوه و شکایت از روزگار اختصاص داده است. در غزلیات بیشتر به وصف طبیعت و ذکر زیبایی معشوق پرداخته است. در مقطعات بیشتر به اخوانیات، وصف حسب حال خویش و چیزهای مختلف دیگر پرداخته است.

۷-۲- کاربرد اصطلاحات علمی و اشاره به جزئیات آنها

اصطلاحات علمی بکار رفته در دیوان اشعار فارسی ادیب پیشاوری در مجموع ۲۵۷ مورد است که به ترتیب بسامد عبارتند از: ۱- نجوم ۷۰مورد ۲- علوم عقلی ۶۴مورد ۳- علوم ادبی ۴۵مورد ۴- موسیقی ۳۸مورد ۵- علوم نقلی ۳۰مورد ۶- طب ۱۰مورد

۸- نتیجه گیری

از بررسی سبکی اشعار ادیب پیشاوری میتوان به این نتیجه رسید که ادیب پیشاوری در اشعار خود از نه بحر عروضی استفاده کرده است بیشترین بسامد اوزان با ۳۲ مورد متعلق به بحر رمل و کمترین آن مربوط به بحر خفیف و سریع است. قافیه‌های اسمی با ۶۶ مورد جایگاه نخست را در دیوان ادیب بخود اختصاص داده است و از مجموع ۹۰ شعر خود ۷۶ مورد از اشعار دارای ردیف است بسامد بالای ردیف با فعل ربطی فضای شعر وی را متحرک و پویا کرده است. کاربرد افعال کهن، توجه فراوان به لغات عربی و اشعار ملمع در شعر، استفاده از ابزار آلات مختلف و غیره از ویژگیهای زبانی سبک شعر ادیب پیشاوری است. در سطح ادبی در مقوله بیان برجسته‌ترین صورخیال در دیوان وی تشبیه است که تشبیهات وی اغلب کهنه و کلیشه‌ای است و به سبک و سیاق شاعران دوره‌های پیشین است و از میان انواع تشبیه، تشبیه حسی به حسی در اشعار وی بسامد بالایی دارد مواد تشبیهات ادیب هم جنبه انتزاعی دارد، هم جنبه طبیعی وحسی که در مواد تصاویر مشبه، بالاترین بسامد، به امور انتزاعی با ۲۳۶ مورد و بالاترین مواد تصاویر در مشبه‌به تشبیهات، مربوط به انسان و اعضایش با ۱۳۰مورد است. در کنایه، کنایه اسنادی و در استعاره، استعاره مکنیه و در مجاز، مجاز به علاقه کلیت و جزئیت بالاترین درصد کاربرد را بخود اختصاص داده‌اند. در میان آرایه‌های ادبی تکرار، تلمیح، آن هم از نوع تلمیحات مذهبی بالاترین بسامد را در دیوان ادیب دارد. از دیگر آرایه‌های

پرتکرار شعر ادیب، جناس، تضاد و مراعات نظیر است. به لحاظ فکری توجه به حوادث مختلف سیاسی زمان شاعر عشق به وطن، مدح بزرگان و رجال سیاسی جنگهای مختلف آن زمان مانند قیصر روم، حدود ۴۰ درصد از حجم اشعار ادیب را تشکیل میدهد علاوه بر آن موضوعات دیگر چون وصف بهار، وصف معشوق، اخوانیه، سوگنامه، تحمیدیه، شکوائیه است. در میان اصطلاحات علمی بکار رفته نجوم با ۲۳/۲۷ درصد بیشترین کاربرد را در شعر وی داراست.

منابع و ماخذ

- ۱- ادبیات معاصر، یاسمی، رشید، (۱۳۵۲)، چاپ دوم، تهران انتشارات ابن سینا.
- ۲- آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، سیروس، (۱۳۷۸) چاپ پانزدهم، تهران، رامین.
- ۳- آینه‌دار طلعت یار، ابوالحسنی مندر، (۱۳۸۱)، تهران: عبرت.
- ۴- با چراغ و آینه شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۹۰)، تهران انتشارات سخن، تهران.
- ۵- بیان، کزازی، میر جلال الدین، (۱۳۷۵)، تهران.
- ۶- بیست مقاله، قزوینی، محمد، (۱۳۷۰) تصحیح عباس اقبال و پورداوود، چاپ دوم تهران: دنیای کتاب
- ۷- جواهر البلاغه، هاشمی، احمد (۱۳۹۳)، جلد دوم، ترجمه حسن عرفان، چاپ پانزدهم، قم
- ۸- درآمدی بر عروض و قافیه در شعر فارسی، عقدایی، تورج، (۱۳۸۵)، زنگان، انتشارات نگارین.
- ۹- دیوان اشعار، ادیب پیشاوری، سید احمد، (۱۳۶۲)، تصحیح عبدالرسولی، علی، تهران، انتشارات نوین.
- ۱۰- سبک‌شناسی، بهار محمدتقی، (۱۳۸۴)، چاپ هشتم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۱- موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۷۶)، تهران، انتشارات آگه.